

وحدتی که وحد می کند.

یوحنا ۱۷، ۲۰-۲۶



«فقط برای اینها دعا نمی‌کنم بلکه برای کسانی هم که به وسیلهٔ پیام و شهادت آنان به من ایمان خواهند آورد، 21 تا همهٔ آنان یکی باشند آن‌چنان‌که تو ای پدر در من هستی و من در تو و آنان نیز در ما یکی باشند و تا جهان ایمان بیاورد که تو مرا فرستاده‌ای. 22 آن جلالی را که تو به من داده‌ای به آنان داده‌ام تا آنها یکی باشند آن‌چنان‌که ما یکی هستیم، 23 من در آنان و تو در من، تا آنها به طور کامل یکی باشند و تا جهان بدانند که تو مرا فرستادی و آنها را

مثل خود من دوست داری. 24» ای پدر، آرزو دارم کسانی‌که به من بخشیده‌ای در جایی‌که من هستم با من باشند تا جلالی را که تو بر اثر محبت خود بیش از آغاز جهان به من دادی، ببینند. 25 ای پدر عادل، اگر چه جهان تو را شناخته است، من تو را شناختم و اینها می‌دانند که تو مرا فرستاده‌ای. 26 من تو را به آنان شناسانیدم، و باز خواهم شناسانید تا آن محبتی که تو نسبت به من داشته‌ای در آنها باشد و من در آنها باشم.»

وقتی یک خوبشاوند نزدیک، فوت کرده است، به نظر می‌رسد که مردم همیشه می‌خواهند همهٔ کارهایی را انجام دهند که آن مرحوم همیشه می‌خواست. پس این جمله پرهیزگار را از بستگان می‌شنوید: "اگر اینجا باشد، اینگونه آرزو داشته باشد....". عجیب است که آن مرحوم در مورد این تحقق آرزوی خود از چیزی با خبر نیست، یا چیزی در مورد آن نمی‌داند. و با این حال مردم آرزوهای آن مرحوم را با غیرت فراوان برآورده می‌کنند. به نظر می‌رسد آنها آرزوهای آن مرحوم را فقط در آن موقع بر آورده می‌کنند. هنگامی که آنها نمی‌توانند کارهای بیشتری برای آن شخص انجام دهند.

در متن خطبه امروزمان بینش آخرین آرزوی پروردگار عیسی مسیح را می‌بینیم. شراپت به شرح زیر است: اندکی قبل از اعدام و مرگش بر روی صلیب، عیسی به درگاه خدا دعا می‌کرد. اما او به گونه‌ای دعا می‌کرد که شاگردان بتوانند به کل دعای او گوش دهند. در غیر این صورت یوحنا نمی‌توانست این دعا را بنویسد. گویا عیسی می‌خواست شاگردانش و ما از آنچه او دعا می‌کند کاملاً آگاه باشیم و... او همچنین می‌خواهد که عمیق‌ترین آرزوی خود به ما را روشن سازد. در سطرهای اول یوحنا ۱۷، او کاملاً به شاگردان که در اطراف او جمع شده‌اند، متمرکز می‌بود. و سپس عیسی دعا را تمدید می‌کرد و کل مسیحیان را در همهٔ نسل‌ها درگیر می‌کرد. ما فقط این متن را خوانده ایم. بنابراین امروز دعای عیسی برای ما است. و امروز عمیق‌ترین آرزوی عیسی برای ما چیست؟ عیسی انتظار دارد که مسیحیان یکی باشند! اگر این را بشنویم، همهٔ ما مسیحیان باید شرم‌زده شویم زیرا آرزوی مسیح را برآورده نکرده ایم. کلیساها در سراسر جهان مجزا هستند. و حتی در یک جامعه متأسفانه اختلافات و روح مبارزه‌طلبی وجود دارند. این یک واقعیت بسیار غم‌انگیز است که متأسفانه مجبوریم با آن زندگی کنیم. اما ظاهراً وحدت مسیحی برای عیسی بسیار مهم بود. با این وجود، آنچه مهم‌تر از آن است، اساس این اتحاد است. اگر از نگاه عیسی پیروی کنیم، مستقیماً به پدر آسمانی می‌آییم. در پدر آسمانی منشأ وحدتی را که باید داشته باشیم پیدا می‌کنیم. و در وحدت بین خدا و عیسی وحدت بین ما مسیحیان پایه‌گذاری می‌شود. بدون این اتحاد خدا، هیچ وحدتی بین ما مسیحیان وجود ندارد. ارزش دارد که مدتی دیگر به وحدت خدا نگاه کنیم. طبیعت خدا به خودی خود معجزه وحدت است. در خدای پدر، پسر و روح القدس در نوع خود شخصی مستقل هستند. و با این حال آنها چنان به هم نزدیک هستند که می‌توانیم در یک جمله بگوییم: خدا یکی است و خدا نیز همزمان ۳ نفر شخصی است. این امر رمز خداست. اینگونه است چون به هیچ وجه درگیری بین خدا وجود ندارد. در بین خدا همیشه دادن و یافتن است. و خدا به هیچ وجه با آنچه که اراده و هدف اوست اختلاف ندارد. به عنوان مثال، عیسی کاملاً خواست خدا را مطیع می‌کرد، خود را فروتن ساخت و

از روی اطاعت حاضر شد مرگ حتی مرگ بر روی صلیب- را بپذیرد. از این جهت خدا او را بسیار سرافراز نمود و نامی را که بالاتر از جمیع نامهاست به او عطا فرمود.

همانطور که از این مسیر عیسی ملاحظه می شود ، طبیعت خداوند عشق و ایثار متقابل بوده و همیشه بوده است. از آنجا که عشق همیشه به یک همتا نیاز دارد ، خداوند هرگز یک شخص نبوده است. اما در عین حال ، خدا یکی است. معجزه بزرگ این است که عیسی، ما مسیحیان را به وحدت خدا درگیری می کند. وصیت او این است که ما با خدا باشیم. اراده عیسی مسیح این است که ما از همان عشق و محبت پر بشویم که متعلق به ذات خداوند است! او می خواهد که ما آنجا باشیم!

ای پدر، آرزو دارم کسانی که به من بخشیده‌ای در جایی که من هستم با من باشند تا جلالی را که تو بر اثر محبت خود بیش از آغاز جهان به من دادی، ببیند.

وحدتی که عیسی در اینجا به آن پرداخته است ، اساساً با خدا مرتبط است. و کلام عیسی است که ما را به این خدا متصل می کند. این بدان معنی است که ما مسیحیان لازم نیست همه اختلافات در هر صورت بین کلیساها را از بین ببریم و کلیسای بزرگ جهانی را تحت هر شرایطی تشکیل دهیم. این اتحادی نخواهد بود که از سرشت خدا ناشی می شود. تمرکز و قدرت ما در طبیعت خدا و در کلام او متکی است که او به ما اجازه می دهد در آن لنگر شویم. هدف این وحدتی در خدا این است که ما در جلال خدا درگیر شویم. کلمه جلال یک کلمه بسیار مهم در کتاب مقدس است. بیشتر مردم حتی معنی این کلمه را درک نمی دانند و آنها جلال را با ثروت زمینی یا شهرت اشتباه می گیرند. بنابراین ما فکر می کنیم که هر ستاره فیلم یا میلیاردر ثروت خارق العاده و جلال دارند. اما معنی این کلمه در کتاب مقدس اصلاً ربطی با جلال زمینی ندارد. در اصل این کلمه به معنای "سنگین" بود به عنوان مثال: اگر چیزی بسیار سنگین باشد ، در زمین لنگر می خورد و به هیچ وجه نمی توان آن را واژگون کرد. مثل کتاب مقدس: کلام خدا چنان محکم و مطمئن است که همیشه آنچه را می گوید انجام می دهد. کلام خدا را نمی توان واژگون کرد. خداوند تمام جهان را از طریق کلام خود آفرید. و ما همین عظمت را در مسیح می بینیم. عیسی یک کلمه صحبت کرد ، سپس لازاروس برخاست. حتی دریا فرمان عیسی را اطاعت می کند. خداوند حرف آخر را از طریق عیسی به ما انسانها فرستاد. بنابراین او بنیادی محکم به ما داده است که بتوانیم به آن اعتماد کنیم. همه چیز در جهان ما نامشخص است. مردم می آیند و می روند. مردم وعده های زیادی می دهند و می توانند این قول ها را به همان سرعت بشکنند. در مقابل کلام انسان ، کلام خدا ثابت و یقین است. کار عیسی برای ما در صلیب کاملاً مطمئن است. و آن کلام ما را به خدای ابدی متصل می کند! ما یکی با عیسی هستیم! این کار جلال خدا را به ما می بخشد! همچنین می توان گفت که جلال خدا برای ما معنی دارد که ما با خدا هستیم. خدا می خواهد که ما در کنار او باشیم. و این وحدتی که در مسیح داریم نیز به انسانهای ما نوید دارد. وقتی دنیا می بیند که ما در عیسی و خدا چه وحدتی حیرت‌انگیز داریم ، می فهمد که خدا آنها را نیز دوست دارد! این زبان عشق است که همه می توانند درک کنند. و همین وظیفه شاگردان بود که این عشق را بگزرانند. در آن زمان که عیسی به آسمان صعود کرد ، هنگامی که با چشمانی تنگ به آسمان نگاه می کردند ، می توانستند یک مکان عابدانه برای جشن صعود عیسی به آسمانی را در همان نقطه بنا کنند. شاگردان می توانستند معبدی بنا کنند و تا پایان روزهایشان به فکر صعود باشکوه عیسی باشند. آنها این کار را نکردند. فرشته قبلاً به آنها گفته است: به دنبال چه چیزی در بهشت هستید ... ؟ بروید و آنچه عیسی را گفت ، انجام دهید. عاشق دنیا باشید همانطور که او شما را دوست داشته است. آمین